

Explain the factors affecting Oman's role in the stability of the Persian Gulf region

Abdolkarim Sadeghdooost ¹
Nozar shafiee ^{2*}
Rahmat Hajimineh ³

Received on: 23/03/2021
Accepted on: 19/07/2021

Abstract

The Persian Gulf region is one of the most critical and critical regions in the world. In an area with this feature, Oman has been able to play a role in maintaining its stability. The question of this research is what factors have influenced Oman's foreign policy in establishing stability in the Persian Gulf region? The hypothesis of this study is that geopolitical factors, economic factors, the role of Sultan Qaboos, internal stability and religion, have influenced the orientation of the foreign policy of this country in the form of adopting a positive policy of neutrality. And this, in turn, has given Oman a role to play in stabilizing the Persian Gulf region. In this research, the descriptive-analytical method and in the collection of information, the library method has been used. Findings of this research show that in recent decades, Oman, realizing the importance of maintaining stability in the region, has always been trying to prevent the spread of any tension and crisis in the region by using diplomatic means. Despite the lack of material tools of power, it has been able to play a role in stabilizing the Persian Gulf region through its diplomatic power and gaining the trust of other actors in the region and the parties to the crisis.

Keywords: Positive Impartiality, Stability, Persian Gulf, Foreign Policy, Oman.

-
- 1 . Ph.D Student in International Relations, International Relations Department, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Email: sadeghdooost@yahoo.com)
 - 2*. Associate Professor, Department of International Relations, University of Isfahan. (Corresponding Author: n.shfiee@ase.ui.ac.ir)
 - 3 . Assistant Professor of International Relations, Department of Communication and Social Sciences, East Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Email: r.hjimineh@gmail.com)

تبیین عوامل تأثیرگذار بر نقش عمان در ثبات منطقه خلیج فارس

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۲۸

عبدالکریم صادق دوست^۱

نوذر شفیعی^{۲*}

رحمت حاجی مینه^۳

چکیده

منطقه خلیج فارس، یکی از حساس‌ترین و بحران‌زاترین مناطق جهان است. در منطقه‌ای با این مشخصه، کشور عمان توانسته است در حفظ ثبات آن نقش ایفا کند. سؤال این پژوهش آن است که چه عواملی بر سیاست خارجی عمان در ایجاد ثبات در منطقه خلیج فارس تأثیرگذار بوده است؟ فرضیه این پژوهش آن است که عوامل ژئوپلیتیک، عوامل اقتصادی، نقش سلطان قابوس، ثبات داخلی و مذهب، بر جهت‌گیری سیاست خارجی این کشور در شکل اتخاذ سیاست بی‌طرفی مثبت تأثیرگذار بوده و این مهم به‌نوبه خود، باعث نقش‌آفرینی عمان در ایجاد ثبات در منطقه خلیج فارس شده است. در این تحقیق از روش توصیفی-تحلیلی و در گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای بهره گرفته شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که کشور عمان در دهه‌های اخیر، با درک اهمیت حفظ ثبات در منطقه، همواره در تلاش بوده است که از گسترش هرگونه تنش و بحران در این منطقه، با استفاده از ابزارهای دیپلماتیک، جلوگیری کند. این کشور، علیرغم فقدان ابزارهای مادی قدرت، توانسته است از توان دیپلماتیک و جلب اعتماد دیگر بازیگران منطقه و طرف‌های درگیر در بحران، در زمینه ایجاد ثبات در منطقه خلیج فارس ایفای نقش نماید.

واژگان کلیدی: بی‌طرفی مثبت، ثبات، خلیج فارس، سیاست خارجی، کشور عمان.

(صفحه ۳۳۵-۳۰۹)

۱. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، گروه روابط بین‌الملل واحد تهران شمال،

دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (sadeghdoost@yahoo.com)

۲. دانشیار گروه روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول: n.shfiee@ase.ui.ac.ir)

۳. استادیار روابط بین‌الملل، گروه ارتباطات و علوم اجتماعی، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

(r.hjimineh@gmail.com)

مقدمه

مسئله ثبات و امنیت در هر نقطه‌ای از جهان، لازمه زندگی انسان‌ها است. بدون وجود امنیت، امکان کار، زندگی و فعالیت وجود ندارد و یا بسیار مشکل بوده و دچار اختلال خواهد شد. در سطح دولت‌ها و نظام‌های سیاسی نیز امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی دارای اهمیت زیادی است زیرا به گفته هینبوش و احتشامی، دولت‌ها آرزو دارند رهبری منطقه‌ای، پذیرش بین‌المللی و توسعه اقتصادی داشته باشند، اما این موارد فقط در صورت ایجاد امنیت قابل پیگیری هستند (Hinnebush.R and Etheshami.A, 2014:1). پرداختن به هر یک از عوامل به وجود آورنده و یا مؤثر در ثبات، از جمله افراد، شخصیت‌ها و کشورهای مؤثر در این زمینه، راه را برای تأمین و تقویت چنین پدیده‌ای هموار می‌سازد. در این تحقیق، بر موضوع بررسی یکی از عوامل ثبات در بخش مہی از جهان، یعنی حوزه خلیج فارس، تمرکز شده است و آن هم نقش کشور عمان است. عمان کشوری است که در نگاه اول، از نظر وسعت، جمعیت، اقتصاد و سایر مؤلفه‌های قدرت، چندان جلب توجه نمی‌کند و ممکن است در محاسبات و ارزیابی‌های معمول، جایگاه مهمی نداشته باشد؛ اما در یک نگاه دقیق‌تر و عمیق‌تر، می‌توان دریافت که این کشور، هنگامی که از ثبات و امنیت منطقه خلیج فارس صحبت به میان می‌آید، نقش و جایگاه تأثیرگذار آن در بیشتر مناقشات و درگیری‌های این منطقه، مطرح است.

منطقه خلیج فارس، به دلایل مختلف، اقتصادی، سیاسی، نظامی و... از مناطق مهم جهان است. در این منطقه، کشورهای مهمی مانند جمهوری اسلامی ایران، عربستان سعودی، عراق و در درجه دوم، کویت، امارات، قطر، یمن و بحرین واقع شده و در پیرامون این کشورها، کشورهای مهم دیگری مانند ترکیه، افغانستان، پاکستان و هند قرار گرفته‌اند. هرکدام از این کشورها، جایگاه اقتصادی و نظامی ویژه‌ای دارند که هرگونه بی‌ثباتی در منطقه خلیج فارس، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم، این کشورها را متأثر می‌سازد. درگیری عربستان و یمن، اختلافات و مناقشات عربستان با قطر، رقابت‌های شدید موجود بین دو قدرت منطقه‌ای یعنی ایران و عربستان که هرازگاهی خود را به شکل یک تنش شدید نشان می‌دهد، نمونه‌هایی از این بحران‌های بالقوه و بالفعل در منطقه خلیج فارس به شمار می‌رود. همچنین مداخلات مکرر قدرت‌های جهانی مانند آمریکا و روسیه در منطقه خلیج فارس مانند حضور نظامی آمریکا در عراق و نیز رخداد اخیر ایجاد مناسبات رسمی بین اسرائیل و بعضی کشورهای این منطقه مانند، امارات متحده عربی و بحرین که نارضایتی برخی قدرت‌های منطقه مانند ایران را در پی

داشته است، نشانه‌های دیگری از بحران و امکان بروز بی‌ثباتی در این منطقه است. این پژوهش به دنبال تبیین عوامل تأثیرگذار بر نقش عمان در ثبات این منطقه هست. سؤال پژوهش این است که «عوامل تأثیرگذار بر نقش عمان در ایجاد ثبات در منطقه خلیج فارس کدام‌اند؟» فرضیه پژوهش این است که «عوامل ژئوپلیتیک، عوامل اقتصادی، نقش سلطان قابوس، ثبات داخلی و همچنین گرایش مذهبی مردم عمان بر جهت‌گیری سیاست خارجی این کشور در شکل اتخاذ سیاست بی‌طرفی مثبت تأثیرگذار بوده و این مهم نیز به‌نوبه خود، باعث نقش‌آفرینی عمان در ایجاد ثبات در منطقه خلیج فارس شده است». در این تحقیق از روش توصیفی-تحلیلی و در گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای بهره گرفته شده است. هدف از انجام این تحقیق تبیین عوامل تأثیرگذار بر نقش کشور عمان بر ثبات منطقه خلیج فارس است تا با تبیین چنین عواملی، پژوهشگران علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، با شناخت بیشتر آن‌ها و توسعه چنین مطالعاتی به ارائه الگوهایی از کشورهای موفق در عرصه ثبات و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی بپردازند.

الف - پیشینه پژوهش

در زمینه نقش کشور عمان در ثبات منطقه خلیج فارس، پژوهش‌های موجود، عمدتاً به زبان انگلیسی و برخی نیز به زبان عربی است. پژوهش‌های مختصری نیز به زبان فارسی با عناوین مشابه در سال‌های اخیر صورت گرفته است؛ اما اغلب این پژوهش‌ها، هرکدام فقط از منظری به این قضیه پرداخته‌اند. بیوک و اکرمی نیا (۱۳۹۸) در مقاله‌ای تحت عنوان «تبیین نقش عوامل ژئوپلیتیکی بر سیاست خارجی عمان» با اشاره به همبستگی میان ژئوپلیتیک و الگوی رفتار سیاست خارجی کشورها، به طرح این نکته می‌پردازند که کشور عمان از نظر ژئوپلیتیکی در منطقه‌ای متشنج همراه با خصومت‌های سیاسی و تنش‌های خونین احاطه شده است. آنان معتقدند که رفتار عمان، الگویی از سیاست خارجی کشوری است که با حضور در منطقه بحران‌زای خاورمیانه از ورود به مناقشات و تنش‌ها پرهیز می‌نماید. مقاله مذکور، از میان عوامل مؤثر در نقش مثبت عمان در منطقه، اختصاصاً فقط به موضوع ژئوپلیتیک پرداخته است. عبدالکریم^۱ (۲۰۱۷) در مقاله‌ای با موضوع «مواضع عمان در بحران‌های منطقه‌ای» به بررسی نقش عمان در برخی از بحران‌های منطقه، پرداخته و نتیجه می‌گیرد که

1. AymenAbdulkareem

علیرغم تحولات فراوانی که تاکنون در کشورهای حوزه خلیج، کشورهای عربی و منطقه خاورمیانه رخ داده، سیاست عمان در قبال این چالش‌ها، شفاف باقی مانده است و این کشور تلاش می‌کند با اتخاذ موضع بی‌طرفی به تقویت جایگاه خود در نظام بین‌الملل بپردازد. آل رحمة^۱ (۲۰۱۵) در مقاله‌ای با عنوان «رهبری در خاورمیانه: سلطان‌نشین عمان» این فرضیه را مطرح می‌کند که مهارت‌های حکومتی، فرهنگ، اخلاق ملی و دیپلماسی دولت عمان نقش مهمی در دستیابی به امنیت خاورمیانه ایفا می‌کند. نویسنده، در این مقاله، عمان را با برخی از قدرت‌های منطقه مقایسه می‌کند و نتیجه می‌گیرد که عمان با تلاش برای برقراری صلح بین ملت‌ها، نقش مهمی در حل مناقشات در منطقه دارد. والر^۲ (۲۰۱۴) در مقاله‌ای تحت عنوان «نقش میانجیگری عمان در بحران‌های منطقه‌ای»، با اشاره به میانجیگری عمان در مذاکرات ایران و آمریکا در (۵+۱) به تلاش‌های میانجیگرانه عمان در بحران‌های منطقه‌ای پرداخته و نتیجه می‌گیرد که انگیزه عمان از این نوع سیاست ورزی، جلوگیری از تأثیر بی‌ثباتی منطقه بر وضعیت ثبات داخلی این کشور است. تفاوت پژوهش حاضر با پژوهش‌های مذکور، در این است که در آن تلاش شده است که به موضوع، به صورت جامع و همه‌جانبه نگاه کند و عوامل مهم را در این زمینه مورد توجه و مطالعه قرار دهد.

ب- مبانی نظری و روش

دیدگاه جرد نانمن^۳ در رویکردهای سیاست خارجی دولت‌های منا^۴ (خاورمیانه و شمال آفریقا)، جرد نانمن معتقد به رویکردی برای مطالعه سیاست خارجی این دولت‌ها است که از یک مدل پیچیده سیاست بین‌الملل سرچشمه می‌گیرد. در این مدل، تحلیل سیاست خارجی چند سطحی^۵ و چندلایه^۶ و مبتنی بر زمینه^۷ و شرایط موجود است (Nonemman, 2003:2) در تحلیل سیاست خارجی کشورهای مختلف، چند فرض می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. به عنوان مثال، واقع‌گرایی^۸ تا کید زیادی بر عنصر قدرت دارد و دولت‌ها را بازیگرانی انعطاف‌ناپذیر می‌داند که در یک بازی قدرت بر اساس عقلانیت،

1 . Alia Al-Rahma

2 . Mark Valeri

3 . Gerd Nonneman

4 . MENA (Middle East and North Africa)

5 . multi-level

6 . multi-casual

7 . contextual

8 . Realist

فایده و هزینه را بررسی کرده و منافع خود را در روابط با دیگر کشورها بر این اساس تنظیم می‌نمایند و این قاعده در «جامعه آنارشیک»^۱ سیاست بین‌الملل، امری پذیرفته شده است. برخی دیگر از مکاتب سیاسی تلاش کرده‌اند که با بررسی عملکرد دولت‌ها و با تمرکز بر تصمیم‌گیری و یا نخبگان و تصمیم‌گیران، دیدگاه واقع‌گرایی را تا حدودی تعدیل و اصلاح نمایند. نانمن معتقد است که توسل به یک الگو نمی‌تواند تفسیر مناسبی از رفتار کشورها به دست دهد. وی پیشنهاد می‌کند که مناسب‌ترین رویکرد تحلیل سیاست خارجی برای کشورهای در حال توسعه، از جمله دولت‌های منطقه منا، شامل این موارد است:

- آغاز یک تفسیر از محیط داخلی و ضرورت بقای رژیم و دولت.
 - دیدن این موضوع در یک زمینه محیط منطقه‌ای و عوامل عقیدتی فراملی.
 - درک تأثیرات کلی محدودیت آفرین و توانمندکننده محیط بین‌المللی.
 - مد نظر قرار دادن ساختارهای تصمیم‌گیری و تصورات تصمیم‌گیرندگان؛ زیرا در واقع، گزینه‌های خاص در سیاست‌گذاری، قادر به ایجاد نوعی تفاوت می‌باشند که صرفاً فقط به وسیله عوامل ساختاری قابل تبیین نیست (Nonneman, 2003:10).
- نانمن، بر اساس این نگرش و با بهره‌گیری از نظریه‌های مختلف، به بررسی عوامل تعیین‌کننده سیاست خارجی کشورهای منا می‌پردازد. از دید وی، سیاست خارجی دولت‌های منا باید در سه سطح مورد بررسی قرار گیرد. این سه سطح؛ سطوح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی می‌باشند. در سطح داخلی، پنج طبقه کلیدی وجود دارد:
- ماهیت دولت^۲ (امن/ غیرامن، حوزه تحکیم هویت ملی، اقتدارگرایی/ لیبرال، واگذارنده^۳/ غیرواگذارنده^۴).
 - ماهیت و منافع رژیم.
 - توانایی‌ها؛ به‌ویژه منابع اقتصادی و فناورانه و همچنین منابع جمعیتی.
 - سیستم تصمیم‌گیری.^۵
 - ادراکات و تصور نقش تصمیم‌گیران (Nonneman, 2003:12).

1 . anarchic society

2 . Nature of the State

3 . rentier

4 . non-rentier

5 . decision-making system

از دیدگاه نانمن، بایستی به نقش سیاست خارجی دولت‌های «منا»، همانند بسیاری دیگر از کشورهای درحال توسعه، از دریچه برداشت‌ها و تصورات رهبران، نگریسته شود؛ برداشت آن‌ها از امنیت رژیمشان، فرصت‌ها و چالش‌هایی که توسط محیط داخلی و محیط خارجی و همچنین با اندازه متفاوتی، در خصوص هویتشان ارائه می‌گردد و این برداشت‌های گوناگون، البته درهم تنیده است (Nonneman, 2003: 10). از دیدگاه کالین هی نیز در تبیین سیاسی باید نقش بسیار مهمی به افکار و تصورات اختصاص داد، زیرا کنشگران به این دلیل رفتار معینی در پیش می‌گیرند که برداشت‌های معینی از محیط اجتماعی و سیاسی خود دارند (هی، کالین، ۱۹۶۸: ۳۴۰). نانمن معتقد است که سیاست خارجی دولت‌های «منا» به روش‌های مختلف، از طریق نیازهای این رژیم‌ها در داخل کشور خود، دسترسی در حال تغییر به منابع و چارچوب اقتصادی و راهبردی بین‌المللی که این‌گونه کشورها در درون آن نقشی تابع اما نه لزوماً ضعیف ایفا نموده‌اند، تعیین می‌گردد. این کشورها همچنین توسط بسترهای عقیدتی و سیاسی (به‌ویژه با مضامین اسلامی و عربی) تحت تأثیر قرار گرفته و محدود گشته‌اند؛ هم به این دلیل که این موضوع مرتبط با ضرورت امنیت داخلی آن‌ها است و هم به خاطر اینکه این مسئله یک عنصر واقعی در میان مفاهیم گوناگون نقش، حداقل در برخی از این رهبری‌هاست (Nonneman, 2003: 11). بعلاوه، منابع باارزش موجود در بعضی از این دولت‌ها، مانند موقعیت راهبردی، منابع نفتی، ثروت‌های مادی و دیگر دارایی‌ها می‌تواند به‌عنوان اهرم‌های دیگر به آن دولت‌ها، قدرت بیشتری دهد. درحالی‌که خط‌مشی دقیق، آن‌گونه که به‌عنوان نمونه به‌وسیله خانواده‌های حاکم خلیج فارس نمایش داده می‌شود، در ایجاد بخش زیادی از این دایره فضیلت بالقوه، دارای اهمیت بوده است. لذا پذیرفتنی به نظر می‌رسد که پویایی اساسی به شکل کلی‌تر برای دولت‌های کوچک به کار گرفته شود؛ در حقیقت بیشتر این دولت‌ها (در منطقه خلیج فارس)، نسبت به دیگر دولت‌های خاورمیانه، با محدودیت‌ها و فشارهای عقیدتی فراملی کم قدرت‌تری، مواجه هستند (Nonneman, 2003: 17). به اعتقاد رایج، سیاست خارجی در کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس به مراتب بیشتر از سایر کشورها شخصی‌سازی می‌شود و فقط تعداد کمی از نخبگان را درگیر می‌کند و معمولاً علیرغم وجود یک وزارت خارجه با تشکیلات بزرگ اداری، سیاست خارجی در اختیار تعداد بسیار کمی از مقامات است (Wright, 2011: 78).

استفاده از «چارچوب مفهومی جرد نانمن» برای انجام پژوهش حاضر، از آن نظر مناسب است که سیاست خارجی عمان نیز در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی قابل بررسی است و توجه به

مقوله‌هایی مانند سیستم تصمیم‌گیری در یک دولت (رژیم)، ادراکات و نقش تصمیم‌گیرندگان (نقش سلطان عمان در جهت‌گیری سیاست خارجی این کشور)، توانایی اقتصادی (وجود نفت در کشور عمان و جایگاه تجاری و اقتصادی آن) از مقوله‌هایی هستند که در این چارچوب مفهومی قابل تجزیه و تحلیل است. بعلاوه پراگماتیک^۱ بودن سیاست خارجی کشور عمان نیز از جمله مسائلی است که در این چارچوب مفهومی قابل بررسی است. همچنین مواجهه عینی تصمیم‌سازان با چالش‌ها و فرصت‌های (نظامی، اقتصادی) خارجی (در محیط پیرامونی و نزدیک و در محیط سیاست جهانی) از مواردی است که در این پژوهش، در چنین چارچوبی می‌توان به تحلیل آن پرداخت.

در این مقاله ابتدا نمونه‌هایی از نقش عمان در مناقشات مختلف منطقه‌ای بر اساس اسناد موجود عنوان می‌گردد و سپس به عوامل تأثیرگذار در این نقش پرداخته می‌شود. با توجه به اینکه منطقه خلیج فارس متشکل از کشورهایی است که در بعضی مورد دارای مشترکات و مناسبات مطلوب و در مواردی، دارای تضادها و اختلافات هستند که موجب تنش‌ها و کشمکش‌ها در این منطقه گردیده است، لذا به هریک از مناقشات حادث شده در منطقه اشاره می‌شود و نقش عمان در این زمینه تبیین می‌گردد. همچنین نوع مواجهه این کشور با بحران‌های منطقه‌ای و بحران‌های فرامنطقه‌ای که به نوعی امکان کشیدن شدن دامنه آن‌ها به منطقه خلیج فارس وجود داشته است، مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

پ- بدنه پژوهش

۱- عمان و بحران‌های حوزه خلیج فارس

یکی از مسائلی که در خصوص تأثیرگذاری عمان در ثبات منطقه خلیج فارس باید مورد توجه قرار گیرد، تلاش‌های این کشور، در جهت فروکش کردن مناقشات و بحران‌های منطقه خلیج فارس است. این تلاش‌ها عمدتاً از دهه آغازین دوران پادشاهی سلطان بن قابوس^۲ آغاز شده و همچنان ادامه داشته است. در این خصوص می‌توان به موارد متعددی اشاره نمود که نشان می‌دهد کشور عمان همواره سیاست عمل‌گرائی را در پیش گرفته و متناسب با منافع ملی و امنیت کشور، در تلاش بوده

.....
۱. عملگرا

۲. دوران زمامداری سلطان قابوس از سال ۱۹۷۰ آغاز گردید.

است تا در بحران‌های منطقه‌ای که به‌نوعی ثبات و امنیت خود کشور عمان را نیز به مخاطره می‌اندازد، نقش ایفا کند. نمونه‌هایی از این نقش در منابع مختلف مورد اشاره قرار گرفته است. در درگیری اعراب و اسرائیل، سلطان قابوس از موافقت‌نامه ۱۹۷۸ کمپ دیوید و پیمان صلح ۱۹۷۹ مصر و اسرائیل استقبال نمود که در نتیجه روابط نزدیک‌تر مصر و آمریکا با این کشور را به دنبال داشته و در دهه‌های بعد از آن، روابط نزدیک تجاری و دیدارهای غیررسمی مقامات دو کشور عمان و اسرائیل را در پی داشت (Valeri, 2014:1-2)؛ (Al-Khalili, 2005:233). در ملاقاتی که در خلال اجلاس سال ۱۹۸۰ در عمان بین صدام حسین رئیس‌جمهور وقت عراق و سلطان قابوس پادشاه وقت عمان صورت گرفت، راه‌های پایان دادن به جنگ با ایران مورد بحث قرار گرفت (Kechichian, 1995:110). در خصوص تهاجم عراق به کویت در سال ۱۹۹۰، عمان، علیرغم اینکه این عمل عراق را، تخلف از حقوق بین‌الملل دانست، اما روابط خود را با عراق قطع نکرد و تلاش نمود که در این بحران میانجیگری نماید (Valeri, 2014:1-2). ابتکار عمان در تشویق نزدیکی و ایجاد روابط حسنه دیپلماسی بین پاکستان و هند در سال ۱۹۸۵ و نیز باز کردن فضای مذاکره در خلال بحران قطر و بحرین در سال ۱۹۸۶، رویکرد ثبات‌جویانه این کشور را بیان می‌کند. تأکید عمان بر همکاری منطقه‌ای و بین‌المللی برای حل و فصل مناقشات و پیشگیری از بحران، مبارزه با عقاید افراطی و تروریسم را باید در راستای رویکرد مسالمت‌آمیز و ثبات‌گرایانه این کشور جستجو کرد. کشور عمان ضمن اخطار در خصوص جلوگیری از گسترش عقاید افراطی گرایانه برای محدود کردن پدیده تروریسم، راه رسیدن به امنیت و ثبات در منطقه را حداکثر همکاری منطقه‌ای و بین‌المللی می‌داند (Abdulkareem, 2017:4).

منطقه خلیج فارس، به‌ویژه در این چهار دهه اخیر، همواره درگیر یا مستعد بی‌ثباتی بوده است. برخی صاحب‌نظران، نقش عمان در کمک به ایجاد ثبات در منطقه و سیاست خارجی بی‌طرفانه این کشور را، در آن حد با اهمیت می‌دانند که عناوینی مانند جزیره ثبات در منطقه (SZALAI, 2019:3)؛ و یا سوئیس خاورمیانه (Bodetti, 2020:1) (McEniry, 2017:1) را برای این کشور برگزیده‌اند.

۱-۱- عمان و شورای همکاری خلیج فارس

کشور عمان یکی از اعضای شورای همکاری خلیج فارس است که جهت‌گیری‌های سیاسی آن به‌گونه‌ای است که در راستای سیاست‌های ثبات‌جویانه بوده است. این کشور در چارچوب شورای

همکاری خلیج فارس فعالیت‌های خود را در مسیر اتخاذ راهبرد بی‌طرفی مثبت پیش می‌برد (السعدی، ۲۰۱۹: ۸). عمان همچنین، اولین عضو شورای همکاری خلیج فارس بود که اقدام به حل تمام مناقشات ارضی با همسایگان خود کرد و از سال ۱۹۷۰ هیچ‌گاه با هیچ دولتی در جهان روابط دیپلماتیک خود را به هم نزد (Karasik, & Paraskevopoulos, 2019: 1-2).

مک انیری، خاطر نشان می‌سازد که سیاست خارجی عمان، این کشور را در یک موضع منحصربه‌فرد قرار داده و این به برکت بی‌طرفی و استقلال آن کشور در شورای همکاری خلیج فارس است (McEniry, 2017: 2). یکی از مهم‌ترین مواضع سال‌های اخیر عمان در چارچوب شورای همکاری خلیج فارس، در خصوص جنگ عربستان با حوثی‌های یمن است که این کشور نشان داد که تنها کشور عضو شورای مذکور است که در این خصوص موضعی بی‌طرفانه اتخاذ نموده و ثابت کرد که در سیاست پایدار خود در منطقه خلیج فارس تحت فشار قدرت‌های منطقه‌ای قرار نمی‌گیرد. عمان تنها کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس است که در ائتلاف ۳۴ کشور اسلامی به رهبری عربستان برضد تروریسم نیبوست و نیز تنها عضو این شورا است که در مداخله نظامی عربستان در بحرین شرکت نکرد (Neubauer, 2016: 2-3). به گفته شروود، عمان نه تنها در جنگ یمن شرکت نکرد بلکه صلح بانانی نیز به این کشور اعزام نمود (Sherwood, 2017: 13).

۱-۲- عمان و مناقشات ایران و عربستان

یکی از موضوعات مهم در بحث نقش عمان در تأثیرگذاری در ثبات منطقه خلیج فارس، نوع تعامل و برخورد این کشور با موضوع مناقشات ایران و عربستان است؛ زیرا این دو کشور، تأثیرگذارترین کشورهای منطقه خلیج فارس بوده و در عین حال دارای روابط سیاسی پرتنش در این منطقه هستند. از یک سو، عربستان سعودی خود را به‌عنوان یک پادشاهی پایدار، متمول و خیرخواه، متحد با غرب، محافظ وضعیت موجود خلیج فارس و اسلام میانه‌رو معرفی می‌کند و از سوی دیگر، ایران خود را به‌عنوان یک رهبر تجدیدنظرطلب، مخالف نظام منطقه‌ای فعلی، در برابر دخالت خارجی در خاورمیانه و مدافع جنبش‌های اسلامی معرفی می‌نماید (CERIOLI, 2018: 310). در عین حال با توجه به این واقعیت که؛ عربستان و ایران اگرچه در جنگ‌های نیابتی گوناگون، دست در گلوی یکدیگر دارند اما تهدیدهای مشترکی نیز دارند که امنیت دریایی و موضوع تروریسم از آن جمله است (Wehrey, & Sokolsky, 2015: 13). می‌توان گفت که این تهدیدهای مشترک در آینده، این دو کشور

را به سمت کاهش تنش پیش خواهد برد و زمانی نیاز به گفتگو و مذاکره خواهند داشت. در این صورت یکی از گزینه‌های مناسب برای میانجیگری، مسقط خواهد بود. مسقط بر روابط دوستانه با همسایگان نزدیک خود از جمله عربستان سعودی و ایران تمرکز داشته و در عین حال از مداخله در امور داخلی هر کشوری اجتناب نموده است (Neubauer, 2016: 2). عمان، ضمن آنکه خود را در بلوک کشورهای عربی حوزه خلیج فارس تعریف می‌کند و روابط خود را با عربستان در همین چارچوب پیش می‌برد، اما به همان نسبت در موضع‌گیری‌های خود در مورد ایران نیز، نیز از تشدید جو تخاصم بین دو کشور یاد شده، پرهیز می‌نماید.

۱-۳- عمان و مناقشات عربستان و قطر

یکی از مواردی که عمان در آن خط‌مشی سیاست بی‌طرفی خود را حفظ کرده است، نوع برخورد این کشور با کدورت بین عربستان و قطر در سال ۲۰۱۴ است، موضوعی که در صورت تشدید می‌توانست حتی به یک درگیری نظامی در منطقه خلیج فارس منجر شود. در پی تنش به وجود آمده بین قطر و سایر اعضای شورای خلیج فارس به‌ویژه عربستان سعودی، امارات و بحرین و عربستان سفرای خود را از قطر فراخواندند درحالی‌که عمان چنین نکرد (Al Zubair, 2017: 17). مسقط از متحد شدن با پادشاهی‌های شبه‌جزیره عربی در سیاست خارجی مانند، محاصره قطر و مداخله نظامی در بحران‌های داخلی لیبی و بحرین در خلال انقلاب‌های بهار عربی ۲۰۱۱ امتناع کرده است (Karasik, 2019: 2). انیری، ضمن اشاره به همین رویکرد عمان، خاطرنشان می‌سازد که عمان به همراه کویت، از دنبال کردن سیاست قطع روابط با قطر به رهبری عربستان سعودی امتناع نمود و در عوض در میانجیگری بین دو کشور درگیر کمک کرد (McEniry, 2017: 2). در تحلیل چنین موضعی از سوی عمان، می‌توان گفت که این کشور، با این رویکرد خود، سه هدف مهم را دنبال کرد: اول آنکه بی‌طرفی خود را حفظ نمود، دوم آنکه به سمت بی‌طرفی مثبت حرکت کرد یعنی جایگاه سستی خود را به‌عنوان میانجیگر و تسهیل‌کننده، بیش‌ازپیش تقویت نمود تا در صورت لزوم این نقش را ایفا نماید و سوم آنکه، به‌عنوان یکی از اعضای شورای همکاری خلیج فارس، به ثبات بیشتر این منطقه کمک کرد.

۱-۴- عمان و جنگ عربستان و یمن

در جنگ عربستان و یمن که از سال ۲۰۱۵ آغاز شد و همچنان ادامه دارد، عمان توانسته است ضمن جلب اعتماد طرف‌های درگیر، میانجیگری مذاکرات را در مقاطعی، بر عهده گیرد. این کشور گفتگوهای صلح را بین ائتلاف به رهبری عربستان و امارات که یک دولت ضعیف و شکننده یمن را پشتیبانی می‌نمود و از مخالفان سرسخت آن‌ها یعنی حوثی‌ها، میزبانی کرده است، در صورتی که بیشتر دیگر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس به نوعی به تلاش‌های جنگ امارات و سعودی (علیه یمن) پیوستند (Bodetti, 2020: 2). این کشور، با طرف‌های درگیر به‌عنوان یک «داور دیپلماتیک» عمل کرده و ضمن ملاقات با فرستاده ویژه سازمان ملل «آقای مارتین گریفیتس»^۱ و مذاکره‌کننده حوثی‌ها، محمد عبدالسلام، موضع محکم بی‌طرفانه خود را حفظ کرده و همچنین، با فراهم کردن زمینه آزادسازی زندانیان حوثی‌ها از طریق مذاکره و میزبانی گفتگوهای صلح درون یمنی، راهبرد متمر ثمری اتخاذ نموده است (Karasik, & Paraskevopoulos, 2019: 3/6-4/6). موضع‌گیری عمان در مورد یمن و مداخله نظامی در این کشور به رهبری عربستان، موضع صلح‌آمیز بوده است (Alkhazale, 2020: 54). عمان، با این رویکرد خود، هم به نقش آشتی‌جویانه خود پایبند ماند و هم به عنوان کشور محل اعتمادی برای عربستان و حوثی‌های یمن، تلقی شد تا بتواند همچنان مذاکرات را رهبری کند. می‌توان گفت که در قضیه یمن و عربستان، کشور عمان دشوارترین تصمیم و رویکرد سیاست خارجی معاصر خود را در حفظ بی‌طرفی مثبت اتخاذ کرده است.

۱-۵- عمان و جمهوری اسلامی ایران

روابط تهران و مسقط عمدتاً بر محور جغرافیای خاص و همچنین زمینه‌های تاریخی بین دو کشور، بنا شده است. از جهت جغرافیایی، تنگه هرمز از میان سایر عوامل دیگر، مهم‌ترین نقش را در روابط دو کشور دارد (Jafari, 2012: 9)؛ زیرا دو کشور در این تنگه راهبردی مرز مشترک دارند که تقریباً ۳۵ درصد نفت خام سالیانه توسط کشتی‌ها از این تنگه می‌گذرد (Neubauer, 2016: 2). در بررسی روابط این دو کشور به نقاط عطفی برمی‌خوریم. از جمله آنکه نطق پور نوری و دیگران، نقش عمان در تعدیل روابط شورای همکاری خلیج فارس در زمینه جنگ تحمیلی در زمان ریاست دوره‌ای عمان بر اجلاس پنجم شورا در سال ۱۹۸۵ در مسقط را دوران بازسازی روابط دو کشور به

1 . Martin Griffiths

شمار می‌آورند و معتقدند از جمله تأثیرات مثبت این نشست، سخن ملایم سلطان قابوس در نطق افتتاحیه و مفاد نسبتاً متعادل قطعنامه پایانی اجلاس در این زمینه است (نطاق پور نوری و دیگران، ۱۳۹۶:۷۴). عمان با اتخاذ تقویت روابط با ایران در پی این است که از ثبات در تنگه هرمز که در پیچه تجاری حیاتی کنترل شده توسط ایران و عمان است، اطمینان حاصل نماید؛ این کشور، همواره یک رابطه مهم و راهبردی با ایران داشته است (McEniry, 2017: 2). اعتقاد بر این است که نقش عمان در ایجاد توازن در خاورمیانه، ناشی از ایفای نقش کانال دیپلماتیک مسقط بین ایران با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس از یک طرف و بین ایران و متحدان غربی این گروه از کشورهای منطقه، از طرف دیگر، است (Cafiero & Karasik, 2016:2)؛ بنابراین می‌توان گفت که بخش قابل توجهی از نقش سازنده عمان در منطقه خلیج فارس، در روابط این کشور با ایران تجلی می‌یابد. این نقش، به ویژه در توافق ایران با کشورهای ۱+۵، برجسته و آشکار گردید و مورد توجه کشورهای منطقه و جامعه جهانی قرار گرفت. سلطان نشین عمان گفتگوهای سری اولیه را در مذاکرات برجام^۱ برعهده داشته است که این موضوع نقش عمان را به عنوان میانجیگر تقویت نموده است (Karasik, 2019: 3). صاحب نظران معتقدند بدون وساطت این کشور، اوپاما رئیس جمهور وقت ایالات متحده قادر به تحقق چنین امری نبود. اوپاما، غالباً از برنامه اقدام فراگیر مشترک، موافقت نامه بین‌المللی محدود کننده برنامه هسته‌ای ایران، به عنوان یکی از دستاوردهای عمده خود یاد می‌کند؛ اما وی، بدون کمک عمان، ممکن بود به این دستاورد دست پیدا نکند (Bodetti, 2020: 2). در واقع عمان توانست، با ابتکارات دیپلماتیک خود، این دو را که یکی قدرت منطقه‌ای و دیگری قدرت جهانی است، بر سر میز مذاکره بنشاند. عمان، این کار را با ظرافت دیپلماتیک خاص و گاهی در پنهانی و بدون جنجال به سرانجام رساند که در نهایت با اقدامات بعدی اعضای دائم شورای امنیت، به امضای برجام در سال ۲۰۱۵ منجر شد.

۲- عوامل تأثیرگذار بر نقش عمان در ثبات منطقه خلیج فارس

در خصوص اینکه چه عواملی بر نقش عمان در ثبات منطقه خلیج فارس تأثیرگذار هستند باید گفت که طیفی از عوامل در این زمینه مؤثر می‌باشند که در اینجا مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند.

۱. JCPOA, Joint Comprehensive Plan Of Action برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)

۲-۱- عامل ژئوپولیتیک

عمان از نظر ژئوپولیتیک در محلی واقع شده است که از نظر راهبردی، چه اقتصادی و چه نظامی، بسیار اهمیت دارد و در طول تاریخ چنین اهمیتی برای حاکمان آن و همچنین کشورهای همسایه و حتی بیگانگان، پنهان نمانده است. سیلاک دریادار هخامنشی، ۲۵ قرن پیش معتقد بود که هر کشوری که بر سه نقطه کلیدی تسلط داشته باشد بر جهان حکومت خواهد کرد، این سه نقطه عمان، بحرین و یمن هستند که در استراتژی بحری اهمیت بسیار دارند (جعفری ولدانی، ۱۳۸۹: ۴۴). مهم‌ترین عاملی که بر اهمیت استراتژیک عمان افزوده است، مجاورت این کشور با خلیج فارس و تنگه هرمز و قرار گرفتن در مسیر کشتی‌های حامل نفت به نقاط مختلف جهان است که به گلوگاه اقتصادی جهان تبدیل شده و فوق‌العاده برای اقتصاد جهانی، حیاتی است. با توجه به موقعیت راهبردی منطقه خلیج فارس، کشورهایی که در این منطقه جغرافیایی واقع شده‌اند، با انواع تهدیدات و تنش‌های داخلی و خارجی روبرو هستند (جوادی ارجمند- بیدالله خانی، ۱۳۹۱: ۱). عمان، با درک چنین موقعیتی، همواره به دنبال تنش‌زدایی و حفظ ثبات در منطقه بوده است. موقعیت بی‌طرف عمان، محصولی از تاریخ چندساله فرهنگی عمان است که این کشور را بر آن داشت تا اهمیت حفظ وضع موجود و حساسیت منطقه ژئوپولیتیک را تشخیص دهد (Al- Balushi, 2020:4).

کشور عمان، از نظر استراتژیک در طول گوشه جنوب شرقی شبه‌جزیره عربی نزدیک تنگه هرمز واقع شده است و از طریق این تنگه، روزانه هزاران تن نفت به بازارهای جهانی می‌رسد، بنابراین در یک محل دارای اهمیت برتر برای اقتصاد جهانی است (Karasik, & Paraskevopoulos, 2019: 1-2)؛ (ارسیا و احمدی، ۱۳۹۲: ۳۷۴). آنتونی، با ذکر اهمیت راهبردی انکارناپذیر عمان، پیش‌بینی کرده بود که اگر سلطنت عمان بتواند مسیر کنونی خود را در توسعه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و همکاری نزدیک با کشورهای منطقه ادامه داده و همچنین ارتباط خود را با ایالات متحده آمریکا و بریتانیای کبیر در زمینه دفاعی حفظ کند و همکاری خود را با دیگران از جمله شورای همکاری خلیج فارس تداوم بخشد، شکی نیست که این سلطان‌نشین خواهد توانست به نقش مهم خود در تداوم صلح و امنیت در منطقه خلیج فارس ادامه دهد (Anthony, 1996:10).

۲-۲- سیاست خارجی متعادل و استفاده از قدرت نرم

از دیگر عوامل مؤثر در نقش عمان در این زمینه، سیاست خارجی متعادل و حفظ بی‌طرفی این

کشور با طرف‌های درگیر است. عمان همواره سعی نموده چنین موضعی را در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی حفظ نماید. البته حفظ بی‌طرفی برای کشور عمان، به‌خصوص در منطقه مانند خلیج فارس که همواره مناقشات منطقه‌ای و جهانی در آن جریان دارد، کار ساده‌ای نیست. ولی تاکنون این کشور توانسته است به‌خوبی در اجرای این سیاست، موفق عمل نموده و از عهده مشکلات و سختی‌های آن برآید. سیاست مستقل عمان، از این کشور، شریکی با طرف‌های درگیر در منطقه، ساخته است (McEniry, 2017: 3). عمان از معدود کشورهای منطقه است که با حفظ روابط دوستانه و همچنین جلب اعتماد همه بازیگران مهم منطقه‌ای و بین‌المللی، علاوه بر کمک به ثبات منطقه، توانسته است جایگاه ویژه‌ای در سیاست منطقه‌ای پیدا کند و اعتبار قابل توجهی کسب نماید. این سلطان‌نشین، هیئت‌هایی را از اسرائیل و عربستان سعودی میزبانی نموده، پیمان‌های تجاری را با چین، ایران و روسیه منعقد کرده و کمک نظامی از بریتانیا و ایالات متحده دریافت نموده است، (این در حالی است که) قدرت‌های کوچک دیگر کمی می‌توانستند روابط با چنین تعداد زیادی از رقبای در یک زمان، به شکل متوازن برقرار نمایند (Bodetti, 2020: 3). (AI-JUBORY, 2019:114).

نکته قابل توجه در اینجا این است که عمان از روابط محکم و استراتژیک خود با قدرت‌های جهانی مانند ایالات متحده و بریتانیا، برای حفظ آرامش و ثبات در منطقه بهره می‌گیرد و نه ماجراجویی و توسعه‌طلبی. موضوعی که پژوهشگران، از اصطلاح «صلح نیابتی»^۱ در برابر «جنگ نیابتی»^۲ برای توصیف آن استفاده می‌کنند. به عبارتی می‌توان گفت هدف عمان از محکم کردن موضع و موقعیت سیاسی خود، رسیدن به اهداف مثبت و سازنده و درعین حال تلاش برای حفظ امنیت جمعی در منطقه خلیج فارس است که امنیت و ثبات خود عمان را نیز شامل می‌شود. عمان، از ابزارهای معمول قدرت، برای تأثیرگذاری در محیط بین‌المللی برخوردار نیست، ابزارهایی مانند جمعیت، اقتصاد، نیروی نظامی و غیره. موضوعی که قابل تأمل است، این است که کشوری که از ابزارهای معمول قدرت برخوردار نیست چگونه می‌تواند دیگر ظرفیت‌های بالقوه خود را فعال کرده و در راستای منافع ملی خود و منطقه به کار بگیرد. در بررسی این موضوع به نکته مهمی می‌رسیم که در روابط بین‌الملل به آن قدرت ناملموس^۳ گفته می‌شود که به «قدرت نرم» نیز معروف است که در مقابل «قدرت سخت» قرار می‌گیرد که همانا سلاح‌های پیشرفته، توان اقتصادی بالا، جمعیت زیاد و... است.

.....
1 . PROXI- PEACE
2 . PROXI -WAR
3 . Intangible power

عمان به خوبی از این قدرت ناملموس خود در روابط خارجی استفاده می‌کند. جاذبه قدرت نرم برای کشورهای کوچک پررنگ‌تر شد، چراکه معمولاً آن‌ها به دلایل ژئوپلیتیکی، آسیب‌پذیر و درعین حال از منابع کمتری برای ساخت قدرت سخت برخوردارند (اصغری ثانی، ۱۳۹۰: ۲). اتکا قدرت‌های نرم بر توانمندی‌های ناملموس مانند فرهنگ، نرم‌ها، ارزش‌ها و حقانیت سیاست‌های داخلی و خارجی آن‌ها است (2019, OGUZIU:3).

۲-۳- ثبات در سیاست خارجی

سیاست خارجی کشور عمان دارای اصول ثابت و پایداری است. با این اصول توانسته است به حفظ ثبات در منطقه خلیج فارس کمک کند. این کشور در سیاست خارجی خود دارای سه اصل اساسی است که عبارت‌اند از: داشتن یک قدرت بزرگ پشتیبان،^۱ اجتناب از احساس بیگانگی یا منزوی کردن پشتیبان خود^۲ و اجتناب از دشمن‌سازی^۳؛ (Al-Rahma, 2015: 4-5). سیاست خارجی عمان همیشه متعهد به عدم مداخله در امور داخلی سایر کشورها به عنوان یک اصل ثابت طی سال‌های گذشته است (Albasoos, & Maashani, 2020: 159). ثابت بودن موضع این کشور در طول سالیان دراز و تحولات گوناگون نشان می‌دهد که سیاست ثبات‌آفرین این کشور جزء ثابت سیاست خارجی آن است و متناسب با هر تحولی در منطقه، نقش خود را با همین رویکرد تنظیم می‌نماید. این‌گونه نیست که در دوره‌های زمانی مختلف، از موضع ثابت خود در این خصوص فاصله بگیرد و یا موقتاً این سیاست را کنار گذارد. این یکی از ویژگی‌های یک سیاست خارجی موفق در زمینه ایفای نقش تسهیلگر صلح و ثبات است، زیرا با این روش پایدار، اعتماد دیگران را به خوبی می‌توان جلب نمود.

۲-۴- نقش سلطان قابوس

اگر بخواهیم مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر نقش عمان در سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و در نتیجه تأثیر این کشور بر ثبات منطقه خلیج فارس را بررسی کنیم، نقطه آغازین ما برای ورود به این بحث، سال ۱۹۷۰ و آغاز زمامداری سلطان قابوس خواهد بود. به گواهی منابع موجود، ورود معنی‌دار

.....
1 . Acquire a Great Power Patron
2 . Avoid Alienating your Patron
3 . Avoid Making Enemies

این کشور به عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، بعد از شروع سلطنت سلطان قابوس است. این کشور از زمان به سلطنت رسیدن سلطان قابوس در سال ۱۹۷۰، کم‌وبیش از جهت‌گیری، در فهرست همواره در حال گسترش کشمکش‌ها و منازعات خاورمیانه، اجتناب کرده است (Bodetti, 2020:2). روشن است که یکی از علل و بلکه علت اساسی اتخاذ چنین سیاستی، خود شخص سلطان قابوس، پادشاه فقید عمان است.

سلطان قابوس به‌خوبی توانسته است از کشوری که فاقد اهرم‌های مهم قدرت در منطقه است، با استفاده از مهارت‌های دیپلماتیک، قدرتی نرم بسازد که تأثیر مثبت آن، هم در داخل کشور و هم در صحنه‌های منطقه‌ای، از قدرت‌های دیگر منطقه بیشتر است. در عهد قابوس، مسقط بر روابط دوستانه با همسایگان نزدیک خود از جمله عربستان سعودی و ایران تمرکز داشته و در عین حال از مداخله در امور داخلی هر کشوری اجتناب نموده است (Neubauer, 2016: 2). وی موفق شد کشور فقیر و منزوی عمان را از حاشیه به متن دنیای سیاست در منطقه خلیج فارس بیاورد و اعتبار ویژه‌ای برای آن کسب نماید. سلطان عمان با ذخائر نفت کافی و پشتیبانی از طرف پادشاهی بریتانیا و ایالات متحده، آغاز به بازسازی کشور از طریق جامعه مدنی و هویت‌سازی عمانی یکپارچه و متحد، سیاست‌های خارجی و مدیریت منابع نمود (McEniry2017: 1) و از طرفی تمرکز قدرت در سلطان، در ساختار سیاسی این کشور (Common, 2011: 217)، به پیشبرد اهداف وی در زمینه سیاست خارجی این کشور کمک کرده است. کاتزمان بر این عقیده است که در زمان سلطان قابوس، عمان سیاست خارجی نسبتاً مستقلی را دنبال کرده است و حتی بعضی اوقات برخلاف اکثر کشورهای دیگر همکاری خلیج فارس عمل می‌کند (Katzman, 2020: 8).

به اعتقاد آل بصوص و دیگران، سلطان قابوس سعی در ایجاد وحدتی قدرتمند در همکاری با همه طرف‌های منطقه داشته است (Albasoos et al, 2019:8). در مجموع می‌توان گفت نقش سلطان قابوس در جهت‌گیری و مدیریت سیاست خارجی این کشور و تأثیر آن در ثبات منطقه خلیج فارس بسیار حائز اهمیت بوده و عامل محوری در این مسئله به شمار می‌رود.

۲-۵- عوامل اقتصادی

اثر عوامل اقتصادی بر نقش عمان در ثبات منطقه خلیج فارس را باید در راستای موقعیت استراتژیک این کشور دانست. عمان علاوه بر قرارگرفتن در مسیر تجارت و بازرگانی و موقعیت ممتاز

تجارت بین‌المللی، خود نیز دارای ذخائر نفتی است که با استخراج و عرضه آن به بازارهای جهانی درآمد کسب می‌کند. وجود چنین موقعیت تجاری خوب و درآمد نفتی که بودجه کشور به آن متکی است، باعث شده است تا این کشور درصدد کاهش تنش‌ها و ایجاد ثبات در منطقه باشد تا اقتصاد و درآمد خود را از هرگونه صدمه دیدن، باز دارد. در دهه‌های گذشته انگیزه‌های اقتصادی عمان در حفظ روابط خوب با کشورها به ویژه همسایگان خود، ناشی از فقر این کشور و نیاز آن به کسب درآمد از کشورهای همسایه دانسته شده است. بهگت، در مقاله‌ای در سالیان پیش، با اشاره به فقر نسبی عمان در مقایسه با دیگر کشورهای منطقه می‌گوید؛ این فقر نسبی، دولت عمان را وادار نموده است تا روابط خوبی را با همسایگان ثروتمند خود، تداوم بخشد تا درها را برای کارگران عمانی برای کار در خارج از کشور و همچنین برای دریافت کمک‌های مالی بازگذارد (Bahgat, 1999: 456). عمان در مقایسه با کشورهای ثروتمند خلیج فارس فقط ۵٪ اقتصاد این منطقه را تشکیل می‌دهد و تنها یک کشور از این حوزه بعد از عمان قرار دارد که آن‌هم کشور بحرین با ۲٪ است (SZALAI, 2019: 9,10). این کشور با اتخاذ رویکردهایی در خصوص اقتصاد پایدار، انرژی تجدید پذیر، اقتصاد مبتنی بر نوآوری و توسعه فناوری‌های جدید اقتصادی مانند بانکداری اسلامی (SZALAI, 2019: 11). تلاش در بهبودی و ارتقاء وضعیت اقتصادی خود می‌نماید که این خود نیز به محیطی به دور از تنش نیاز دارد. لذا مسائل اقتصادی، عامل مهمی در اتخاذ سیاست تنش‌زدائی توسط عمان است.

۲-۶- ثبات داخلی و رضایتمندی شهروندان

ثبات داخلی عمان، تأثیر زیادی در اتخاذ سیاست‌های مسالمت‌جویانه و ثبات‌آفرین این کشور در منطقه دارد. معمولاً کشوری که در درون خود دارای بی‌ثباتی و مشکلات داخلی باشد به‌سختی قادر خواهد بود نقش مثبتی در صحنه سیاست‌های منطقه‌ای ایفا نماید. به گفته باری بوزان، بی‌ثباتی داخلی، روابط پایدار با همسایگان را مشکل می‌سازد (بوزان، ۱۳۹۶: ۱۸۲) و همچنین سیاست ملی و بین‌المللی بشدت روی یکدیگر اثر می‌گذارند (بوزان، ۱۳۹۶: ۱۰۹). آن‌گونه که از وضعیت عمان در جریان رسانه‌ای قابل‌درک است و منابع نیز به آن اشاره می‌نمایند، مردم این کشور دارای رضایتمندی قابل‌ملاحظه‌ای از نظام سیاسی خود هستند. عمان از جمله معدود کشورهای منطقه خلیج فارس است که در دهه‌های اخیر ناآرامی داخلی در آن، کمتر مشاهده و گزارش شده است. در موضوع رضایتمندی مردم، عمان دومین کشور در منطقه خلیج فارس، بعد از امارات است. این در حالی است که تولید

ناخالص ملی^۱ در امارات ۴۳۰۰۰ دلار و در عمان ۲۲۰۰۰ دلار است. از این مقایسه نتیجه گرفته می‌شود که تناسبی بین میزان درآمد و رضایتمندی مردمان یک کشور نیست، بلکه عامل رضایتمندی چیز دیگری باید باشد. تأمین امنیت در داخل و خارج از کشور می‌تواند عامل مهمی در این زمینه باشد. در تحولات بهار عربی ۲۰۱۱، با اینکه کشورهای همسایه عمان، مانند بحرین دچار ناآرامی شد ولی خود عمان در ثبات داخلی بود (SZALAI, 2019: 3)؛ و این موضوع هم به ثبات منطقه کمک کرد، زیرا در صورت شعله‌ور شدن درگیری بین شیعه و سنی، تمام منطقه در خطر آشوب بود. در مختصر ناآرامی‌هایی هم که در این کشور در بهار عربی رخ داد، عمان با اتخاذ تدابیری چون افزایش یارانه‌های مسکن، رفاه بالاتر و ایجاد ۵۰ هزار شغل جدید (Hertog, 2011: 4)، افزایش ۴۰٪ حقوق (Colombo, 2012: 4) و... توانست اوضاع را در کنترل نگه دارد و از گسترش ناآرامی جلوگیری کند. از این موضوع می‌توانیم نتیجه بگیریم که کشور عمان در معادله جالبی که سود دوطرفه دارد، سیاست داخلی و خارجی خود را دنبال می‌کند. بدین معنی که از یک طرف رضایتمندی مردم و ثبات داخلی را حفظ می‌کند تا در عرصه منطقه‌ای و جهانی بهتر فعالیت کند و متقابلاً برای ثبات منطقه‌ای تلاش می‌کند تا امنیت کشور و مردم خود را تضمین نماید.

۲-۷- تأثیر مذهب در نقش عمان در کمک به ثبات منطقه خلیج فارس

قانون اساسی عمان، دین اسلام را مذهب رسمی اعلام کرده است اما در عین حال تبعیض بر اساس عقاید دینی را منع نموده و از حق افراد در انجام مراسم مذهبی خود در ادیان دیگر محافظت می‌کند.^۲ اکثر مردم این کشور مسلمان و پیرو مذهب اباضیه هستند و رفتارهای عمومی مردم و همچنین رویکرد دیپلماسی خارجی سیاستمداران آن، متأثر از تعالیم و تأثیرات این مذهب است. مذهبی که همواره رویکردی صلح‌طلبانه و مسالمت‌جویانه نسبت به زندگی انسان‌ها دارد و از موضع همزیستی مسالمت‌آمیز، حتی با کیش‌ها و ادیان دیگر به تعاملات انسان‌ها می‌نگرد. مکتب دینی اباضیه به «عبادیسیم» نیز مشهور است. بیشتر عمانی‌ها، علیرغم همسایگان شیعه و سنی خود، پیرو عبادیسیم هستند (Bodetti, 2020: 2)؛ (Common, 2011: 218)؛ (SZALAI, 2019: 5). عبادیسیم یک انشعاب محافظه‌کارانه از اسلام است که میانه‌روی و بردباری را مورد تأکید قرار می‌دهد و پیروان این مکتب

1 . GDP

2 . International Religious Freedom Report for 2018 United States, Department of State , Bureau of Democracy, Human Rights, and Labor

در حفظ سنت‌های خود، تمایل دارند با خود مشغول باشند (2: Bodetti, 2020). برایان کلایو اسمیت معتقد است که کارکرد مذهب صرفاً این نیست که وجود یک خدا را نشان می‌دهد، بلکه فراتر از این امر، کمک به دستیابی به یک هدف اجتماعی است (برایان، کلایو اسمیت، ۱۳۸۰: ۱۴۹). به همین دلیل گرایش مذهبی عمانی‌ها، عملاً در زندگی اجتماعی، فرهنگی و عملکرد سیاسی رهبران نشان متبلور شده است. عمان تنها کشور شورای همکاری خلیج فارس است که رهبری آن پیرو مذهب عبادی است (Al Zubair, 2017: 29) که مسلکی میانه‌رو است و پیروان آن به بردباری شهرت دارند. این فرقه اسلامی، همواره در حل مشکلات از گزینه‌های مسالمت‌آمیز بهره می‌گیرند (قاسمی ۱۳۹۹: ۴۳۳)؛ عنوان می‌نماید که پیروان مذهب اباضیه، سیاست حسن هم‌جواری و عدم استفاده از قانون مقابله به مثل را پیش گرفته‌اند، آنان به زور متوسل نمی‌شوند مگر در حالت دفاع از خود. اباضیه دین اسلام را، دین صلح تلقی می‌کنند و همواره در تلاش بوده‌اند تا با پیروان دیگر مذاهب، از جمله شیعیان، همزیستی مسالمت‌آمیز داشته باشند. آل یحیی، مردم عمان را نه تنها از نظر عقاید مذهبی، بلکه از نظر سایر شاخصه‌های فرهنگی نیز، با همسایگان عرب خود متفاوت می‌بیند و عنوان می‌کند که عمانی‌ها از نظر پوشش و زبان نیز در مناطق عربی و خلیج فارس بی‌همتا هستند (Al-yahyai, 2017: 23). تفاوت‌های دینی و فرهنگی مردم عمان در میان سایر مردم منطقه خلیج فارس به گونه‌ای است که آنان را به سمت تحمل و بردباری بیشتر پیش برده است. جونز، این تحمل را چه در دین و چه در قومیت و فرهنگ کاملاً ریشه‌ای می‌داند (Joens, J, 2014: 2). دیگر صاحب‌نظران نیز از جمله (Ezzat, 2019: 5) رویکرد دیپلماسی و سیاست خارجی عمان را تا حدود زیادی متأثر از گرایش‌ها فرقه عبادی در اسلام تلقی می‌کنند.

نتیجه‌گیری

در این مقاله روشن گردید که عوامل متعددی در ایفای نقش ثبات‌آفرین عمان در منطقه خلیج فارس اثرگذار بوده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها: ژئوپلیتیک، سیاست خارجی مبتنی بر بی‌طرفی مثبت، نقش سلطان قابوس، مسائل اقتصادی (وجود منابع نفتی و اهمیت بازرگانی عمان)، ثبات در سیاست خارجی و نیز موضوع تأثیر مذهب در این کشور است. ترکیبی از عوامل یادشده باعث گردیده است که کشور عمان در طول پنج دهه گذشته به تدریج به عنوان کشوری میانه‌رو و ثبات‌آفرین در منطقه

خلیج فارس شناخته شود و با چنین ویژگی‌هایی در رویدادهای منطقه‌ای نقش ایفا نماید. اهمیت راهبردی این کشور و قرار گرفتن در نقطه‌ای حساس از نظر جغرافیایی در خلیج فارس که آسیب‌پذیری آن را در صورت هرگونه ناآرامی افزایش می‌دهد، موجب اتخاذ یک سیاست خارجی متعادل و واقع‌بینانه‌ای از طرف این کشور شده است که بر مبنای بی‌طرفی مثبت، میانجیگری و ثبات‌آفرینی است. عمان در سیاست خارجی خود دارای ثبات بوده و رویکردی ثابت، پایدار، مداوم و قابل اعتماد در جهت تنش‌زدایی و کمک به ثبات و آرامش در منطقه خلیج فارس را دنبال کرده است. عوامل متعددی که بر جهت‌گیری سیاست خارجی این کشور اثرگذار بوده است و در این مقاله مورد بحث و بررسی قرار گرفت، باعث شده است که سیاستمداران ارشد این کشور، به‌ویژه سلطان قابوس، «سیاست بی‌طرفی مثبت» را اتخاذ کرده و آن را سرلوحه راهبردهای سیاست خارجی خود قرار داده‌اند. این رویکرد به‌نوبه خود به فروکش کردن تنش‌ها و ایجاد ثبات در منطقه خلیج فارس کمک کرده است.

موقعیت خاص جغرافیایی کشور عمان در نزدیکی تنگه استراتژیک هرمز و اقتصاد مبتنی بر تجارت و نفت، این کشور را به سمت اتخاذ سیاست خارجی تنش‌زا و ثبات‌آفرین رهنمون ساخته تا ضمن جلوگیری از هرگونه ناآرامی در منطقه، امنیت و اقتصاد خود را حفظ و بقای خود را تضمین نماید. عمان که کشوری کوچک و فاقد مؤلفه‌های اصلی قدرت از قبیل جمعیت، صنعت، ارتش قدرتمند و... است، به خوبی دریافته است که هرگونه بحران در این منطقه، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، امنیت و منافع این کشور را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. سیاست خارجی عمان در راستای ایجاد مکانیزم‌های ثبات‌آفرین و امنیت‌زا در منطقه خلیج فارس بر اساس الگوی بی‌طرفی مثبت، میانجیگری و روابط واقع‌بینانه با بازیگران مختلف منطقه‌ای و با استفاده از مهارت‌های خاص دیپلماتیک است که سیاستمداران عمانی و در رأس آن‌ها پادشاه فقید این کشور، سلطان قابوس، از آن برخوردار می‌باشند. این نوع سیاست خارجی، تأثیر مثبتی در ایجاد ثبات در منطقه خلیج فارس داشته است.

عمان با حداکثر استفاده از توانایی‌های نرم خود از قبیل بردباری مذهبی، عدم گرایش به توسعه‌طلبی و عدم دخالت در امور دیگر کشورها و همچنین با بهره‌گیری از خلاء ناشی از وجود الگوی ثبات‌آفرین در منطقه بحران‌زده خلیج فارس، به‌خوبی توانسته است چنین کالای نایابی را به عرصه مناسبات نامتعادل و گاهی متعارض کشورهای این منطقه عرضه نماید. از این‌رو، توانسته است

به‌عنوان کشوری منحصربه‌فرد در این منطقه، ابتکار میانجیگری، میزبانی مذاکرات و همچنین نقش کشور مورد وثوق طرف‌های درگیر را بر عهده گیرد. این کشور علاوه بر کمک به ثبات منطقه خلیج فارس، توانسته است اعتبار و جایگاه منطقه‌ای برای خود کسب نماید، اعتباری که دیگر کشورها منطقه ممکن است، حتی با صرف میلیاردها دلار، نتوانند به آن دست یابند. با توجه به اینکه دشمنی‌ها و ناآرامی‌ها در منطقه خلیج فارس در هم تنیده است، اگر همین یک کشور عمان، به‌عنوان وزنه نگه‌دارنده و مورد اعتماد در این منطقه، نقش ثبات‌آفرین خود را از دست بدهد و وارد مناقشات و درگیری‌ها بشود، احتمال درگیری و ناآرامی در این منطقه، افزایش خواهد یافت.

منابع

الف- منابع فارسی

- ارسیا، بابک، احمدی، حسین (۱۳۹۲)، «مسائل ژئوپولیتیکی، امنیتی، اقتصادی، دفاعی حوزه خلیج فارس»، همایش ملی خلیج فارس، جهاد دانشگاهی، دوره ۹، صص ۱۶۹۰-۱۶۷۴.
- اصغری ثانی، حسین (۱۳۹۰)، *ارزیابی قدرت نرم قطر، کتاب آبی (۵)*، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- برایان، کلایو اسمیت (۱۳۸۰)، *فهم سیاست جهان سوم، نظریه‌های توسعه و دگرگونی سیاسی*، ترجمه امیرمحمد یوسفی و محمد سعید قاننی نجفی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- بوزان، باری (۱۳۹۶)، *مردم، دولت‌ها و هراس*، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ چهارم.
- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۹) «ژئوپلیتیک تنگه هرمز و روابط ایران و عمان»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، سال پنجم، شماره سوم، صص ۶۷-۳۵.

- قاسمی، ابراهیم (۱۳۹۹) «نظریه اصالت جنگ یا صلح از دیدگاه اباضیه»، مجله پژوهش‌های فقهی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، دوره ۱۶، شماره ۳، صص ۴۴۶-۴۲۹.
- کرمی، امیر سعید؛ دوست محمدی، احمد (۱۳۹۵)، «تحلیل ژئوپولیتیکی روابط ایران و عمان در قبل و بعد از انقلاب اسلامی»، فصلنامه ژئوپولیتیک- سال دوازدهم، صص ۱۵۱-۱۲۱.
- نطقپور نوری، مهدی؛ بشارتی، محمدرضا؛ رفیعی، احسان (۱۳۹۶) «بررسی عوامل مؤثر همگرایی ایران و عمان و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی»، مجله سیاست دفاعی، پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی، دوره ۲۵، شماره ۹۸، صص ۸۱-۶۳.
- هی، کالین (۱۹۶۸)، *درآمدی انتقادی بر تحلیل سیاسی*، ترجمه احمد گل محمدی، تهران: نشر نی.

ب- منابع الکترونیکی

- بیوک، محسن، اکرمی نیا، محمد (۱۳۹۸)، «تبیین نقش عوامل ژئوپولیتیکی بر سیاست خارجی عمان»، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، سامانه نشر مجلات علمی دانشگاه تهران، آخرین به‌روزرسانی: ۱۳۹۹/۶/۲۲، قابل دسترسی در: https://journals.ut.ac.ir/article_74709
- جوادی ارجمند، محمدجعفر- بید الله خانی، آرش (۱۳۹۱) «تهدیدات استراتژیک و منابع داخلی و خارجی تنش‌زا در محیط امنیتی خلیج فارس»، همایش ملی خلیج فارس، پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی، دوره ۸، تاریخ آخرین به‌روزرسانی: ۱۳۹۹/۶/۲۵، قابل دسترسی: <https://www.sid.ir/fa/seminar/ViewPaper.aspx?ID=768>

ب- منابع انگلیسی

- Abdulkareem,A.(2017) ,“Oman Positions on the Regional Crises”, Al-Bayan Center for Planning and Studies, Accessed on:17 Sep, Sep 2020, Available at: <http://www.bayancenter.org/en/>.
- Al Balushi.M,(2020),“Oman's Neutrality; The Peaceful Weapon to protect the country's security”, American Journal of Political Science,Accessed on: August

2020, Available At: <https://www.researchgate.net/publication/>.

- Albasoos, H., & Maashani, M.(2020), “Oman’s Diplomacy Strategy: Manuvering tools tofaceregional challenges”International Journal of Research in Business and Social Scince,9 (2),152-163,Accessde on 12 Oct 2020, Available At: <https://doi.org/>.
- Albasoos.H, Mohammed Ali.Z, Al Hasni.A.S, Al Shizawi .S,(2019), “The Nature of Oman’s Relations with Iran”, Sultan Qaboos University, Journal of Arts & Social Sciences ,Volume (10) Issue (1), April 2019,pp 5-14, Accessed on 10 Nov,2020, Available At:<https://www.researchgate.net/publication/>.
- Al-Khalili, Majid, (2005). ,”Oman's foreign policy: foundations and practice”,Florida International University (FIU) Electronic Theses and Dissertations, Accessed on;8th July,2020, Available At: <https://digitalcommons.fiu.edu/etd/>.
- Alkhazale,Sh,(2020),“Oman Foreign Policy Towards the Arab Spring in the framework of Strategic Heading”, Bursa Uludag University, Institute of social Science, Department of International Relations, Accessed on19 Jan 2021, Available At: acikerisim.uludag.edu.tr
- Al-JUBORY, Inst Ziad K.A, (2019) “The Nature of the Omani Foreign Policy in Shadow of the New Regional Crises”, Tikrit University, Journal for Right, 2019, Vol.3 pp: 105-122. Accessed on: 21 June, 2020, Available at: <http://tujr.tu.edu.iq/index.php/t/article/view/>
- Al-Rahma,Alia,(2015),“Leadership in the Middle East and Security :(Sultanate of Oman)”, SecurityIssuesSeminars, Mascat, SultanQaboosUniversity, Nov, 2015, Accessed on: 8Nov,2020.AvailableAt:<https://www.researchgate.net/publication/>.
- Al-yahyai,F.(2017),”The significance of Omani Identity in the works of Omani painters, Journal of Arts and Humanities, Vol 6,issue 01,2017,pp21-23,Accessed on: 25 Oct 2020, Available At: <https://www.researchgate.net/publication/>.
- Al Zubair, Mohra, (2017), “Oman, Iran, and the United States: An Analysis of Omani Foreign Policy and Its Role as an Intermediary”, Digital Access to Scholarship at HARVARD, HARVARD Library Office for Scholarly Communication, Accessed on:14 Sep,2020 Available At: <http://nrs.harvard.edu/>.

- Anthony, John Duke, (1996), "Oman: Girding and guarding the Gulf: National Council on US-Arab Relations", Occasional paper Series, No. 4, U.S.-GCC Corporate Cooperation Committee, Accessed On: 13 Oct,2020. Available At :<https://ncusar.org/publications/Publications/>.
- Bahgat, Gawdat, (1999), "Security in the Gulf: The View from Oman", Security Dialogue, Vol 30, No. 4, Pp 445-458, Accessed on: 26 Oct,2020. Available At: <https://www.prio.org/Publications/Publication/>.
- Bodetti, Austin (2020), "Oman Strives for Neutrality in the Middle East", Yale Global Online, Yale University, January 7, 2020, Accessed on: 12 Sep, 2020. Available at: <https://yaleglobal.yale.edu/content/>.
- Cafiero, Giorgio, & Karasik, Theodore, (2016), "Can Oman's Stability Outlive Sultan Qaboos?", Middle East Institute, Accessed on: 12 Nov,2020. Available At: <https://www.mei.edu/publications/>.
- Calvin H.Allen,Jr(2016) , Oman, The Modernization of the Sultanate, Routledge-Taylor and Francis, London and New York.
- CERIOLI, Luíza G.(2018), "Roles and International Behaviour: Saudi-Iranian Rivalry in Bahrain's and Yemen's Arab Spring. Contexto int., 2018, vol.40, n.2, pp.295-316. Accessed on: 29 Oct 2020, Available At: <http://dx.doi.org/>.
- Colombo, Silvia, (2012), "The GCC countries and the Arab Spring. Between outreach, patronage and repression", IAI WORKING PAPERS, No. 1209, March 2012, ETH Zurich Center for Security Studies, Instituto Affari Internazionale, Accessed on: 7 Oct, 2020. Available At: <https://css.ethz.ch/en/services/digitalibrary/publications/publication.html/>.
- Common, R. K. (2011), "Barriers to developing 'leadership' in the Sultanate of Oman", The International Spectator, International Journal of Leadership Studies, Vol6, No.2, pp215-228. Accessed on: 15, Oct 2020 Available At: <https://www.researchgate.net/>
- Ezzat, N, (2019), "Oman: Institutional Genealogy of an Exceptional Foreign Policy", Fourth Annual Conference, Durham University, Accessed On: 27 July 2020, Available At: <https://www.researchgate.net/>.

- Joens,J.(2014), “Oman Quiet Diplomacy”, Norwegian Institute of International Affairs.Accessed on: 18 July 2020, Available At: www.nupi.no
- Francoise De Bel-Air,(2015), “Demography,Migration, and Labour Market in Oman,Gulf Labour Market and Migration”,GIMM, Explanatory Note No.9/2015,Gulf research Center, Migration Policy Center, European University Institute, Accessed on 26 July 2020, Available At: <http://www.migrationpolicycentre.eu/>
- Hertog, S. (2011). The costs of counter-revolution in the GCC. Foreign Policy, 31,Middle East channel , accessed on: 17 Dec 2020, Available At: <https://foreignpolicy.com>
- Hinnebush.R and Etheshami.A, (2014), The foreign Policies of Middle East States, Second Edition, lynne Rienner publishers,USA.
- Jafari, V. A.(2012), “The Geopolitics of the Strait of Hormuz and the Iran-Oman Relations”, Iranian Review of Foreign Affairs,Vol.2,No4,Winter 2012,pp 7- 40.
- Karasik, T. &Paraskevopoulos, A. (2019), “Oman: a facilitator of Diplomacy”, Inside Arabia, Voice of The Arab People,Accessed on: July 16, 2019, Available at: <https://insidearabia.com/>.
- Katzman, K.(2020), Oman: Reform, security, and US policy: DIANE Publishing.Congressional Research Service, Accessed on: 27 Oct 2020, Available At: <https://crsreports.congress.gov>
- Kechichian, Joseph A., (1995), Oman and the world: The emergence of an independent foreign policy, published 1995 by Rand Corporation.
- McEniry, Will, (2017) “Succession Uncertainty in Oman Threatens the Switzerland of the Middle East”, Australian institute of International affairs,Accessed on: 17 Nov 2020, Available At: <https://www.internationalaffairs.org.au/>.
- Neubauer, Sigurd, (2016), “Oman: The Golf’s Go- Between”, The Arab Gulf States Institute in Washington, 2016, pp1-6, Accessed on: 17 Sep. 2020 Available at: <https://www.agsiw.org>

- Nonneman, Gerd, (2003), "Analyzing the foreign policies of the Middle East and North Africa: A conceptual framework", The Review of International Affairs, Vol 3, No.2, pp 118-130, Accessed On: 12 Aug,2020. Available At: <https://www.researchgate.net/publication>
- OGUZIU, TARIK,(2019),"Debating Power in the 21th Century", Daily Sabah, Jul,09, Accessed on: 2 Sep, 2020 Available at: <https://www.dailysabah.com/>.
- Sherwood, Leah, (2017), "Understanding Oman's Foreign Policy", Foreign Policy Trends in the GCCStates, Autumn2017, pp11_13, Accessed on: 24Nov2020, Available At: <https://www.researchgate.net/publication/>.
- SZALAI, MÁTÉ, (2019), "The Island of Stability? (2) Foreign and Security Policy Challenges Faced by the Sultanate of Oman", KKI, Policy Brief, Institute for Foreign Affairs and Trade, Accessed on: 25 sep, 2020 Available at: <https://kki.hu/en/the-island-of-stability->.
- Valeri, Marc,(2014),"Oman's mediatory efforts in regional crises",ORE Open Research Exeter, University of Exeter, Norwegian Peacebuilding Resource Center, Accessed on: 29Aug.2020.Availableat:<http://hdl.handle.net/>.
- Wehrey, Frederic, & Sokolsky, Richard, (2015), "Imagining a new security order in the Persian Gulf" Carnegie Endowment for International Peace, Washington, DC, Accessed on:18 Aug.2020, Available at :<https://carnegieendowment.org/>.
- Wright, S., (2011) "Foreign Policy in the GCC States" in Kamrava, M. (Ed.) The International Politics of the Persian Gulf. Syracuse University Press, Syracuse N.Y.,accessed on: 17 July 2020, Available At: <https://www.academia.edu/>.

ج - منابع عربی

- السعدی، محمد بن عبدالله بن سعید، (۲۰۱۹) ، "الاستمرارية والتغير في السياسة الخارجية العمانية تجاه دول مجلس التعاون لدول الخليج لعربية(۲۰۱۷-۱۹۹۲)" ، جامعہ القاہرہ، کلیہ الاقتصاد والعلوم السياسیہ، قسم العلوم السياسیہ.